



سیمای سوره ابراهیم

این سوره پنجاه و دو آیه دارد و در مکه نازل شده است، البتّه آیه‌های ۲۸ و ۲۹، در مورد کشته‌شدگان بدر، در مدینه نازل شده است. در این سوره مطالبی درباره‌ی رسالت انبیا و موعظه‌ها و بشارت‌ها و دعا‌های حضرت ابراهیم علیه السلام مطرح شده است. به فرموده‌ی روایات تلاوت این سوره برکاتی دارد که از جمله‌ی آنها در امان بودن از بلا و فقر و جنون است.

این سوره به دلیل بیان مطالبی درباره‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام سوره «ابراهیم» نامیده شده و مانند سوره‌های قبلش یونس، هود، یوسف با «الر» آغاز شده است. اوّلین آیه‌ی این سوره‌ها درباره اوصاف قرآن است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

﴿ ۱ ﴾ الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

الف، لام، را، (این) کتابی است که آن را به سوی تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها (ی شرک و جهل) به سوی نور (ایمان) خارج کنی. به سوی راه خداوند عزیز حمید.

نکته‌ها:

- خارج کردن مردم از ظلمات به نور، در قرآن بارها تکرار شده است؛ گاهی به خدانسبت داده شده. ﴿اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^(۱) گاهی به پیامبران نسبت داده شده. ﴿أَنْ أَخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^(۲) وگاهی به کتاب نسبت داده شده است. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾
- تشبیه کفر و تفرقه و جهل و شرک و شک به «ظلمات» بخاطر آن است که انسان در آن حالت‌ها متحیر است، مثل زمانی که در تاریکی به سر می‌برد.
- نور وسیله بینایی، بیداری، حرکت و رشد است همانگونه که همه‌ی اینها در کتاب آسمانی و راه خدا موجود است. ﴿كِتَابٌ... إِلَى النُّورِ... إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ﴾

پیام‌ها:

- ۱- قرآن به تنهایی کافی نیست، برای هدایت مردم رهبر الهی نیز لازم است.
﴿کتاب انزلناه الیک لتخرج﴾
- ۲- فلسفه‌ی نزول کتاب‌های آسمانی و بعثت انبیا، نجات بشر از ظلمت‌هاست.
﴿لتخرج الناس ...﴾
از ظلمت جهل به نور علم، از ظلمت کفر به نور ایمان، از ظلمت تفرقه به نور وحدت و از ظلمت گناه به نور تقوا.
- ۳- مایه‌ی تبلیغ و ارشاد باید قرآن باشد. ﴿کتاب... لتخرج﴾
- ۴- ظلمت‌ها بسیارند، اما نور یکی است. حقّ یکی، ولی باطل زیاد است.
﴿الظلمات... التور﴾ (نور مفرد و ظلمات جمع آمده است).
- ۵ - پیامبران و کتاب‌های آسمانی وسیله‌ی هدایتند، اصل هدایت با اذن خداست.
﴿باذن ربهم﴾
- ۶- راه خدا، راه عزّت و سربلندی و کمال است. ﴿الی صراط العزیز الحمید﴾

﴿۲﴾ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ

مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

خداوندی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای اوست، پس
وای بر کفار از عذابی سخت.

پیام‌ها:

- ۱- قانون و مکتب کسی قابل پیروی است که جهان را آفرید و هستی از اوست
﴿کتاب انزلناه - له ما فی السموات﴾
- ۲- انکار خدایی که همه چیز از آن اوست، به او ضرر نمی‌زند، مایه کیفر کفار
است. ﴿ویل للکافرین من عذاب﴾

﴿ ۳ ﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

(کفار) کسانی هستند که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و (مردم را) از راه خدا باز می دارند و می خواهند آن را منحرف کنند، آنها در گمراهی عمیقی هستند.

نکته‌ها:

- بستن راه خدا به یک یا دو مورد خاص منحصر نیست، بلکه تبلیغات ناروا، گناه علنی، ترویج ابزار فساد و غفلت‌آور، القای شبهه، ایجاد اختلاف، نشریات و فیلم‌های گمراه کننده، بد معرفی کردن دین حق، معرفی ناهلان به عنوان الگوی دین و دهها نمونه‌ی دیگر از مصادیق بستن راه خداست.
- کامیابی از دنیا جایز است، اما ترجیح دنیا بر آخرت خطرناک است، زیرا دنیاگرایی مانع عبادت، انفاق، جهاد، کسب حلال، صداقت و انجام تکالیف شرعی می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- دنیاگرایی، زمینه‌ی کفر، مبارزه با دین و ضلالت است. ﴿يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...﴾ و یصدون... فی ضلال بعید ﴿
- ۲- سرچشمه‌ی گمراهی‌ها عملکرد خود انسان است. ﴿يَسْتَحِبُّونَ، يَصُدُّونَ، يَبْغُونُ﴾
- ۳- انسان اختیار دارد و می‌تواند راهی را بر راه دیگر ترجیح دهد و انتخاب کند. ﴿يَسْتَحِبُّونَ﴾
- ۴- کفار سه مرحله را طی می‌کنند:
اول خودشان با دنیاگرایی منحرف می‌شوند. ﴿يَسْتَحِبُّونَ﴾
آنگاه با اعمالشان دیگران را از راه باز می‌دارند. ﴿يَصُدُّونَ﴾
سپس با تمام توان مسیر حق طلبان را منحرف می‌کنند. ﴿يَبْغُونَهَا﴾
- ۵- روحیه‌ی کفر، عامل انحراف طلبی است. ﴿وَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ... يَبْغُونَهَا﴾

۶- گمراهی، درجات و مراحل دارد و هر چه عمیق تر شود رجوع به حق مشکل تر می شود. ﴿ضلال بعید﴾

﴿۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ
مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش، تا (بتواند پیام خدا را) برای مردم بیان کند، پس خداوند هر که را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه می کند و هر که را بخواهد (وشایسته بداند) هدایت می نماید، و اوست عزیز و حکیم.

نکته‌ها:

□ مراد از «لسان قوم» در این آیه، تنها لغت و زبان مردم نیست، زیرا گاهی ممکن است گوینده‌ای با زبان مردم سخن بگوید ولی مردم حرف او را درست نفهمند، بلکه مراد آسان و قابل فهم گفتن است، به گونه‌ای که مردم پیام الهی را بفهمند، چنانکه در آیات دیگر می فرماید: ﴿یسرناه بلسانک﴾^(۱) ما قرآن را به زبان تو آسان کردیم. حضرت موسی نیز از خداوند می خواهد که گره از زبانش گشوده شود تا مردم کلامش را بفهمند. ﴿واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی﴾^(۲)

□ مقصود از گمراه کردن خداوند، محروم کردن افراد لجوج از لطف خود است، والا اگر خداوند بنای گمراه کردن مستقیم کسی را داشت، نه کتابی می فرستاد و نه پیامبری. در آیات دیگر می خوانیم که خداوند ظالمان و فاسقان و مسرفان را گمراه می کند، یعنی انسان با گناه و ظلم، زمینه‌ی محروم شدن از هدایت را در خود فراهم می کند.

□ بعضی از مفسران گفته اند: فاعل «یشاء» مردم هستند نه خدا، یعنی خداوند گمراه می کند کسی را که خودش بخواهد گمراه شود و هدایت می کند کسی را که خودش بخواهد هدایت شود. نظیر آیه: ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهُوَآءًا...﴾^(۳) گروهی را در راهی که بروند کمک می کنیم.

۱. مریم، ۹۷.

۲. طه، ۲۷ - ۲۸.

۳. اسراء، ۲۰.

□ تبلیغ پیامبر که با زبان قوم خود بوده با جهانی بودن دین منافاتی ندارد. زیرا محتوای پیام زبان خاصی ندارد و با سفارش قرآن، باید گروهی با تفقه و هجرت مطالب دین را آموخته و به سایرین بیاموزند.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبران، با فرهنگ و زبان مردم زمان خود آشنا بوده و طبق فهم آنان تبلیغ می‌کردند. ﴿بلسان قومه﴾
- ۲- خداوند با مردم اتمام حجّت می‌کند. ﴿بلسان قومه لیبین لهم﴾
- ۳- رابطه‌ی رهبران دینی با مردم، عاطفی، صمیمی و مستقیم است. ﴿بلسان قومه﴾
- ۴- تبلیغ باید با شیوه‌ای ساده و صریح و روشن، و برای عموم قابل فهم باشد. ﴿بلسان قومه﴾
- ۵- هدایت و ضلالت خداوند بر اساس حکمت است. ﴿یضل... و یهدی... و هو العزیز الحکیم﴾

﴿ ۵ ﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

همانا موسی را همراه معجزاتی (به سوی مردم) فرستادیم (و به او گفتیم): قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج ساز و روزهای (نزول قهر یا لطف) خدا را به آنان یادآوری کن، همانا در این (یادآوری) برای کسانی که صبر و مقاومت و سپاس فراوان داشته باشند نشانه‌هایی از قدرت الهی است.

نکته‌ها:

□ در روایات، روز ظهور حضرت مهدی عج و روز رجعت و روز قیامت را از مصادیق «ایام الله» گفته‌اند.^(۱)

۱. نور الثقلین.

پیام‌ها:

- ۱- انبیا باید معجزه داشته باشند. «رسلنا... بآیاتنا»
- ۲- هدف کلی انبیا، یکی است. خداوند در آیه اول این سوره به پیامبر اسلام، و در این آیه به حضرت موسی می‌فرماید: مردم را از تاریکی‌ها خارج کنید و به نور هدایت نمایید. «اخرج قومك»
- ۳- اولین حوزه‌ی مأموریت انبیا، قوم خودشان است. «قومك»
- ۴- راه نجات مردم از ظلمات، یاد قهر و قدرت خدا نسبت به ستمگران و توجه به الطاف او نسبت به گذشتگان است. «ذکرهم بایام الله»
- ۵- توجه به تاریخ، زمینه‌ی صبر و شکر را در انسان به وجود می‌آورد. یادآوری مصیبت‌ها و تلخی‌های گذشته و برطرف شدن آنها، انسان را به شکر وادار می‌کند. توجه به پایداری امت‌ها و پیروزی آنان، آدمی را به صبر و مقاومت دعوت می‌کند. «ان فی ذلك لآیات لكل صبار شکور»
- ۶- همه‌ی روزها روز خداست، اما روز تجلی قدرت خداوند حساب دیگری دارد. (تجلی قدرت او در قهر بر کفار و تجلی لطف او بر مؤمنان). «ایام الله»
- ۷- هرگونه جشن یا سوگواری و مراسم ویژه‌ای که بزرگداشت ایام‌الله باشد جایز است. «ذکرهم بایام الله» (بر خلاف نظر فرقه‌ی منحرف وهابیت)
- ۸- مؤمن در سختی، صبر و در رفاه، شکر می‌کند. «صبار شکور»
- ۹- صبر زمینه درک حقیقت است. «لآیات لكل صبار»

﴿ ۶ ﴾ **وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ**

و (به یاد آور) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: نعمت خداوند بر خودتان را یاد کنید، آنگاه که شما را از فرعونیان نجات داد، آنها که شما را به بدترین نوع عذاب می‌کردند، پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را (برای کنیزی و هوسرانی خود) زنده نگاه می‌داشتند و در این امور، از طرف پروردگارتان آزمایش بزرگی بود.

پیام‌ها:

- ۱- با مقایسه‌ی حوادث تلخ و شیرین و زمان آزادی‌ها و شکنجه‌ها، قدر نعمت‌های خدا را بشناسیم. ﴿اذکروا نعمة الله﴾
- ۲- پیروزی‌ها را از خدا بدانیم نه از خود. ﴿نعمة الله عليكم اذ انجاكم﴾
- ۳- آزادی، از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است. ﴿نعمة الله... اذ انجاكم﴾
- ۴- مهم‌ترین کار انبیا، مبارزه با طاغوت‌ها و نجات محرومان و مستضعفان است. ﴿انجاکم﴾
- ۵- درباریان و اطرافیان، نقش مهمی در حفظ نظام طاغوتی دارند. ﴿ال فرعون﴾
- ۶- آزمایش و بلا در راستای تربیت انسان و از شئون ربوبیت الهی است. ﴿بلاء من ربکم﴾

﴿ ۷ ﴾ **وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**

و (نیز به یاد آور) هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً (نعمت‌های) شما را می‌افزایم، و اگر کفران کنید البته عذاب من سخت است.

نکته‌ها:

□ این آیه، مهم‌ترین و صریح‌ترین آیه قرآن در مورد شکر نعمت و یا کفران آن است، که بعد از آیه‌ی مربوط به نعمت آزادی و تشکیل حکومت الهی، به رهبری حضرت موسی مطرح شده است و این، رمز آن است که حکومت الهی و رهبر آسمانی مهم‌ترین نعمت‌هاست، و اگر شکرگزاری نشود خداوند مردم ناسپاس را به عذاب شدیدی گرفتار می‌کند.

□ شکر نعمت مراحل دارد:

الف: شکر قلبی که انسان همه‌ی نعمت‌ها را از خداوند بداند.

ب: شکر زبانی، نظیر گفتن «الحمد لله».

ج: شکر عملی که با انجام عبادات و صرف کردن عمر و اموال در مسیر رضای خدا و خدمت به مردم به دست می‌آید.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: شکر نعمت، دوری از گناه است و نیز فرمود: شکر آن است که انسان نعمت را از خدا بداند (نه از زیرکی و علم و عقل و تلاش خود یا دیگران) و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و نعمت‌های الهی را وسیله‌ی گناه قرار ندهد، شکر واقعی آن است که انسان نعمت خدا را در مسیر خدا قرار دهد.^(۱)

□ شکر در برابر نعمت‌های الهی بسیار ناچیز و غیرقابل ذکر است، به قول سعدی:

بنده همان به که زتقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد

ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که بجا آورد

در حدیث می‌خوانیم که خداوند به موسی وحی کرد: حقّ شکر مرا بجا آور. موسی گفت: این کار امکان ندارد، زیرا هر کلمه‌ی شکر نیز شکر دیگری لازم دارد. وحی آمد: همین اقرار تو و این که می‌دانی هر چه هست از من است، بهترین شکر من است.^(۲)

به گفته‌ی روایات، کسی که از مردم تشکر نکند از خدا نیز تشکر نکرده است. «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله».^(۳)

۳. بحار، ج ۷۱، ص ۴۴.

۲. تفسیر نمونه.

۱. تفسیر نمونه.

□ اگر نعمت خدا را در مسیر غیر حق مصرف کنیم، کفران نعمت و زمینه کفر است. ﴿لئن کفرتم﴾ ﴿بدلوا نعمة الله کفراً﴾^(۱) کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند.

پیام‌ها:

- ۱- سنت خداوند بر آن است که شکر را وسیله‌ی ازدیاد نعمت قرار داده و این سنت را قاطعانه اعلام کرده است. ﴿تأذن ربکم﴾ شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند.
- ۲- خدا برای تربیت ما، شکر را لازم کرد نه آنکه خود محتاج شکر باشد. ﴿ربکم﴾
- ۳- با شکر، نه تنها نعمت‌های خداوند بر ما زیاد می‌شود، بلکه خود ما نیز رشد پیدا می‌کنیم، زیاد می‌شویم و بالا می‌رویم. ﴿لازیدنکم﴾
- ۴- کیفر کفران نعمت، تنها گرفتن نعمت نیست، بلکه حتی گاهی نعمت سلب نمی‌شود، ولی به صورت نعمت و استدراج در می‌آید تا شخص، کم‌کم سقوط کند. ﴿لئن کفرتم انّ عذابى لشدید﴾

﴿ ۸ ﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِن تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ

لَعَنِي حَمِيدٌ

و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: اگر شما و ساکنان زمین همگی کفر ورزید (به خداوند زیانی نمی‌رسد) چرا که خداوند (ذاتاً) بی‌نیاز و شایسته‌ی ستایش است. (نه آنکه از طریق ایمان و شکر شما بخواهد برای خود بی‌نیازی و ستایش کسب کند).

پیام‌ها:

- ۱- در شیوه دعوت و تبلیغ، نباید کار به خواهش از مردم برسد. ﴿ان تکفروا... فانّ الله لعنی﴾

۱. ابراهیم، ۲۸.

۲- با ایمان و عمل خود، بر خداوند هیچ ممتی نگذاریم که او نیازی به اعمال ما ندارد. ﴿لَغْنَىٰ حَمِيدٌ﴾

۳- ایمان و کفر، یا شکر و کفران ما در ذات او اثری ندارد. ﴿لَغْنَىٰ حَمِيدٌ﴾
گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریایش ننشینند گرد

﴿ ۹ ﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ
مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوْا
أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي
شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ

آیا خبر کسانی که قبل از شما بودند، (مثل خبر غرق شدن) قوم نوح و (طوفان قوم) عاد و (صاعقه‌ی قوم) ثمود و کسانی که بعد از آن‌ها بودند، به شما نرسیده است؟ همان‌ها که جز خداوند از (آمار و تعداد تلفات) آن‌ها آگاه نیست، پیامبران‌شان همراه با معجزات به سراغشان آمدند، ولی آن‌ها دست‌هایشان را در دهانشان می‌گذاشتند (یعنی ساکت شوید و ما را موعظه نکنید) و می‌گفتند: ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کفر می‌ورزیم و ما از آنچه شما ما را به آن دعوت می‌کنید، در شک و تردید هستیم.

نکته‌ها:

- این آیه یکی از مصادیق تذکر و توجّه به «ایّام الله» است که در آیه‌ی پنجم این سوره مطرح شد. ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيّامِ اللَّهِ﴾
- به گفته‌ی شیخ طوسی در تفسیر تبیان، شک با ریب فرق دارد. شک، تردید طبیعی است ولی ریب، شکی است که با سوء ظنّ و تهمت همراه باشد.
- شکی که زمینه تحقیق و قبول حقیقت شود، شک سازنده و مفید است، ولی شکی که در برابر بیّنات و معجزات مطرح است، همان لجاجت و شک مخرب و باز دارنده‌ی انسان از

پذیرش حق است. ﴿لَقِيَ شَكَّ... إِلَيْهِ مُرِيبٌ﴾
 □ جمله «فردوا ایدیم فی افواههم» را می‌توان به چند صورت معنا کرد:
 الف: مخالفان با گذاشتن دست بر دهان حقگویان، صدای آنان را در گلو خفه می‌کردند.
 ب: معجزات و دلایل انبیا به قدری محکم بود که گویا دست مردم را گرفته بردهانشان گذاشتند، کنایه از اینکه زبان مردم در برابر حق، بسته شد و حرفی برای گفتن نداشتند.
 ج: مخالفان انبیا از شدت خشم، انگشتان خود را گاز می‌گرفتند.
 د: مخالفان انبیا، در حضور پیامبر دستان خود را بر دهانشان قرار می‌دادند. کنایه از اینکه ساکت شوند و موعظه‌ای نکنند.

پیام‌ها:

- ۱- از سوی خداوند سنت‌ها و قوانین ثابتی بر تاریخ و جامعه حاکم است، که آشنایی با قسمتی از تاریخ می‌تواند درس عبرتی برای قسمت دیگر باشد. ﴿الم یا تکم...﴾
- ۲- قسمت‌هایی از تاریخ بشر، مجهول و ناشناخته است. ﴿لَا يَعْلَمُهُم إِلَّا اللَّهُ﴾
- ۳- همه‌ی رسولان معجزه داشته‌اند. ﴿جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ﴾
- ۴- کفار تنها مخالف شخص انبیا نبودند، بلکه با مکتب آنان مخالف بودند. ﴿كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ﴾
- ۵- شک کفار در حقانیت دین، ناشی از مقام تحقیق نیست، بلکه منشأ آن بدبینی و لجبازی است. ﴿شَكَّ... مُرِيبٌ﴾

﴿۱۰﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيُغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

پیامبران‌شان (در جواب) گفتند: آیا درباره خدا، آفریدگار آسمان‌ها و زمین، شکی هست؟! (آیا هستی با این عظمت نیاز به خالق ندارد؟) او که شما را (به راه حق) دعوت می‌کند تا از گناهانتان بگذرد و تا موعد معین شما رامهلت دهد. (کفار) گفتند: شما جز انسانی همچون خود ما نیستید، (و امتیازی بر ما ندارید) شما می‌خواهید ما را از آنچه نیاکان ما می‌پرستیدند باز دارید، (اگر غیر از این است) پس برای ما برهان و معجزه‌ای روشن (آنگونه که ما می‌خواهیم) بیاورید.

نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل کفار به انبیا گفتند: ﴿تدعوننا﴾ شما ما را به راه خدا می‌خوانید، ولی در این آیه پیامبران به آنان گفتند: ﴿یدعوکم﴾ خدا شما را می‌خواند. یعنی دعوت ما از جانب خود و به سوی خود نیست، بلکه از سوی خدا و به سوی خداست.
- به گفته‌ی زمخشری و مراعی؛ وعده‌های قرآن نسبت به مؤمنان بخشش تمام گناهان است. ﴿یغفر لکم ذنوبکم﴾ ولی نسبت به دیگران، بخشش بعضی از گناهان است. ﴿یغفر لکم من ذنوبکم﴾

پیام‌ها:

- ۱- اعتقاد به خدا، فطری و بدیهی است و سزاوار شک نیست. ﴿افی اللّٰه شك﴾
- ۲- در کنار عقل و فطرت، محبت و دعوت نیز لازم است. ﴿افی اللّٰه شك... یدعوکم لیغفر لکم﴾
- ۳- دین انسان را به پاکی از آلودگی‌ها دعوت می‌کند. ﴿یدعوکم لیغفر... ذنوبکم﴾
- ۴- خداوند طالب غفران و آمرزش گناهان انسان است. ﴿یدعوکم لیغفر لکم﴾
- ۵- توبه و اطاعت از خداوند باعث تاخیر اجل انسان می‌شود. ﴿یدعوکم... یوخرکم الی اجل مستی﴾
- ۶- خداوند از روی مهر، به هدایت دعوت می‌کند و از روی لطف تا پایان عمر

- مهلت انتخاب می دهد. ﴿یدعوکم - یؤخرکم الی اجل مسمی﴾
- ۷- عمر هر انسانی، از پیش اندازه گیری و تعیین شده است. ﴿الی اجل مسمی﴾
- ۸- تعصبات قومی و نژادی، مانع پذیرفتن حق است. ﴿یعبد آباؤنا﴾
- ۹- خانواده در عقاید و باورهای انسان، نقش مهمی دارد. ﴿یعبد آباؤنا﴾
- ۱۰- عناد و گردنکشی در برابر حق، درد بی درمان است. تمام انبیا با معجزه به سراغ مردم می رفتند، ولی لجاجت برخی مردم سبب می شد که همواره معجزه‌ی تازه‌ای که طبق هوس آن‌ها باشد از پیامبران درخواست کنند. ﴿فأتونا بسلطان مبین﴾

﴿۱۱﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

پیامبران‌شان در جوابشان گفتند: (آری) ما جز بشری مثل شما نیستیم، ولی خداوند بر هرکس از بندگانش که بخواهد منت می‌گذارد (و او را بر مردم مبعوث می‌کند) و ما را نرسد که جز با اذن خداوند، برای شما معجزه‌ای بیاوریم، پس مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل نمایند.

نکته‌ها:

- گرچه در این آیه می‌فرماید: خداوند بر هر کس بخواهد منت گذاشته، او را پیامبر قرار می‌دهد، ولی خدای حکیم می‌داند که چه کسی ظرفیت و لیاقت این مسئولیت بزرگ را دارد. ﴿اللَّهُ اعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾^(۱) خدا بهتر می‌داند که رسالت خود را کجا قرار دهد.
- کفار و مشرکان با انبیا دو حرف داشتند:
- ۱. شما انسان‌هایی مثل ما هستید.

۲. معجزه‌ای را که ما پیشنهاد می‌کنیم برای ما بیاورید.
در این آیه، پاسخ این دو حرف آمده است: اما این که ما انسانی همانند شما هستیم قبول داریم، ولی خداوند بر ما منت گذاشته و به ما وحی کرده است، اما این که معجزه‌ی ما به دلخواه شما باشد، این نمی‌شود، زیرا ما حق نداریم بدون اذن خداوند، معجزه‌ای بیاوریم.

پیام‌ها:

- ۱- گرچه انسان‌ها همه در شکل و ظاهر یکسانند، اما دلیل بر این نیست که در باطن و معنویت نیز یکسانند. ﴿ان نحن الاّ بشر مثلکم ...﴾
- ۲- الگوها و مربیان باید با تربیت پذیران، در شرایط همسان باشند. (آنچه نقطه‌ی قوت انبیاست، در نظر بعضی نقطه‌ی ضعف بود. اگر پیامبران از خود انسان‌ها و دارای نیازها و غرایز و مشکلات انسانی نبودند، نمی‌توانستند مربی و الگوی انسان‌ها واقع شوند.) ﴿بشر مثلکم﴾
- ۳- پیامبران، در باره خود غلو نمی‌کردند و می‌گفتند: ما انسانی مثل شما هستیم. ﴿ان نحن الاّ بشر مثلکم﴾
- ۴- مقام نبوت، هدیه و منت الهی است. ﴿مِین﴾
- ۵ - معجزه به امر خداست، نه اراده مردم. (حتی اگر مردم توقع معجزه نداشته باشند، انبیا آن را می‌آورند) ﴿الاّ باذن الله﴾
- ۶- توکل، لازمه‌ی ایمان است. ﴿فلیتوکل المؤمنون﴾
- ۷- مؤمن، از عناد و انکار مخالفان خسته نمی‌شود و با توکل بر خداوند راهش را ادامه می‌دهد. ﴿وعلی الله فلیتوکل المؤمنون﴾

﴿ ۱۲ ﴾ وَمَا لَنَا إِلَّا نَنُوكِلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که او ما را به راه‌های (سعادت) ما هدایت کرده است؟ قطعاً ما در برابر هر آزاری که شما نسبت به ما روا دارید، مقاومت خواهیم کرد و اهل توکل باید فقط بر خداوند توکل نمایند.

نکته‌ها:

- توکل یعنی وکیل گرفتن. وکیل باید چهار شرط داشته باشد: درایت، امانت، قدرت و محبت و کسی جز خدا این شروط را به نحو کامل ندارد، پس بر او توکل کنیم.
- امام رضا علیه السلام فرمود: مرز توکل آن است که با ایمان به خدا، از هیچ کس نترسی.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- خدایی که هدایت کرد، حمایت هم می‌کند. پس تنها بر او توکل کنیم. ﴿توکل علی الله و قد هدینا﴾
- ۲- راه انبیا همان راه خداست. (به جای «سبیل» فرمود: ﴿سُبُلَنَا﴾ چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: ﴿قل هذه سبیلی ادعوا الى الله علی بصيرة﴾^(۲)
- ۳- لازمه پیمودن راه خدا، تحمل سختی‌هاست. ﴿سبیلنا - لنصبرن﴾
- ۴- هم باید بر خدا توکل کرد و هم باید در برابر مخالفان صبر و مقاومت نمود. ﴿توکل علی الله... ولنصبرن﴾
- ۵- مؤمن با آزار و شکنجه، از عقیده و عملش دست برنمی‌دارد. ﴿لنصبرن علی ما آذیتمونا﴾
- ۶- کسی می‌تواند صبر کند که تکیه‌گاهی داشته باشد. ﴿لنصبرن... علی الله تتوکل﴾

۱. تفسیر نورالتقلین.

۲. یوسف، ۱۰۸.

﴿ ۱۳ ﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ
لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

و کفار به پیامبرانشان گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم، مگر آن‌که در کیش ما در آید پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که ما حتماً ستمگران را نابود می‌کنیم.

نکته‌ها:

□ سؤال: مگر انبیا قبل از بعثت، مشرک بودند که کفار از آنان تقاضا می‌کردند به آیین ما باز

گردید؟ ﴿لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا﴾

پاسخ: اولاً ممکن است مراد کفار، برگشت پیامبران در سلطه‌ی آنان باشد. یعنی می‌گفتند: بر فرض که شما ایمان دارید، ولی نباید در برابر ما قیام کنید و خود و یاران‌تان از راه ما سرپیچی نمایید.

ثانیاً «عود» اگر با حرف «الی» همراه بود به معنای بازگشت به حالت اول است، ولی حال که با «فی» همراه است، مراد از آن تغییر و تحوّل است نه بازگشت به حالت اول، یعنی تغییر عقیده دهید و آیین ما را بپذیرید.

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی انبیا، گرفتار مخالفان بودند. ﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ﴾
- ۲- تهدید و تبعید، سیاست زورگویان بی‌منطق است. ﴿لَنُخْرِجَنَّكُمْ...﴾
- ۳- کفار نمی‌خواهند مؤمنان هویت مستقلی داشته باشند. ﴿لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا﴾
- ۴- تهدید را باید با تهدید پاسخ داد. ﴿لَنُخْرِجَنَّكُمْ - لَنُهْلِكَنَّ﴾
- ۵- دلیل هلاکت ظلم است، نه کفر. ﴿كَفَرُوا... لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ﴾
- ۶- ظلم، دوام ندارد و ظالم، عاقبت نابود می‌شود. ﴿لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ﴾

﴿ ۱۴ ﴾ وَلَنُصَبِّحَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

و همانا بعد از (هلاکت) ستمگران، شما را در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این، برای کسانی است که از مقام من پروا کنند و از وعده تهدید آمیزم بترسند.

نکته‌ها:

- خداوند متعال وعده داده است که ستمگران نابود و اولیای او حاکم شوند و چون تاکنون این وعده به صورت گسترده محقق نشده، در زمان ظهور امام زمان (عجل الله فرجه) عملی خواهد شد.
- قرآن کریم بارها وعده داده است که «اولیای خدا بر زمین حاکم خواهند شد و دشمنان آنان به هلاکت خواهند رسید.» در این جاسه مورد را ذکر می‌کنیم:
الف: ﴿إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾^(۱) همانا لشکر ما قطعاً پیروز است.
ب: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ﴾^(۲) حرف ما نسبت به انبیا قطعی است که آن‌ها پیروزند.
ج: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^(۳) وارث زمین بندگان شایسته من خواهند بود. به هر حال، پیروزی حق بر باطل و تشکیل حکومت الهی به دست مردان خدا از وعده‌های قطعی و مکزّر قرآن است.
- ذات الهی، سرچشمه خیرات و خوبی‌هاست و دوست داشتنی است. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^(۴) مؤمن بیشترین علاقه را به خدا دارد. آنچه سبب پرواست، مقام خداست. آری! اگر دوست شما قاضی باشد و کار شما به دادگاه بکشد و پای حساب به میان آید، شما از دادگاه و مقام عدل او می‌ترسید با اینکه او دوست شماست.

پیام‌ها:

- ۱- کفّار، زمین را منطقه‌ی قدرت‌نمایی خود می‌دانند، غافل از آن که حکومت زمین به دست انبیا و مؤمنان می‌رسد. در برابر تهدید کفار: ﴿لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ

۱. صافات، ۱۷۳. ۲. صافات، ۱۷۱، ۱۷۲. ۳. انبیاء، ۱۰۵.

۴. بقره، ۱۶۵.

ارضنا ﴿ وعده خداوند: ﴿لنُسكِنَنَّكم الارض﴾

۲- خداوند به اولیای خود وعده‌ی پیروزی داده است. ﴿لنُسكِنَنَّكم﴾

۳- انبیا تنها برای بیان احکام و موعظه نیامده‌اند، برای حکومت نیز آمده‌اند. ﴿لنُسكِنَنَّكم﴾

۴- شرط پیروزی بر ستمگران، داشتن تقواست. ﴿خاف مقامی و خاف وعید﴾

۵- از تهدید کفار نترسید که می‌گویند: ﴿لنخرجنکم﴾ از تهدید خدا بترسید که می‌فرماید: ﴿خاف وعید﴾

﴿۱۵﴾ وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

و (پیامبران و مومنان) در انتظار فتح و پیروزی بودند، و(لی) تمام ستمگران لجوج محروم ماندند.

﴿۱۶﴾ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

عاقبت این (ستمگران لجوج)، دوزخ است و از آبی بدبو و چرکین نوشانده می‌شوند.

نکته‌ها:

- «وراء» به معنای عاقبت و پایان است، چنانکه در فارسی نیز می‌گوییم: پشت سر این غذا مریضی است.^(۱)
- همه‌ی انبیا در انتظار پیروزی بودند. نوح می‌گوید: ﴿أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرُ﴾^(۲) خداوند! من مغلوبم، کمکی برسان. سایر انبیا نیز از خداوند فتح و پیروزی می‌خواستند: ﴿رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ انْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾^(۳) پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق حکم کن، کفار نیز به مسلمانان می‌گفتند: شما که می‌گویید ما در روزی پیروز خواهیم شد، پس آن روز کی فرا می‌رسد؟ ﴿مَتَى هَذَا الْفَتْحُ﴾^(۴) این جاست که قرآن کریم در آیات بسیاری از

۳. اعراف، ۸۹.

۲. قمر، ۱۰.

۱. تفسیر نمونه.

۴. سجده، ۲۸.

پیروزی پیامبران و نابودی کافران و عذاب آنان سخن می‌گوید و با قاطعیت به کفار اعلام می‌کند که آن روز به زودی فرا می‌رسد.

□ نوشیدنی‌های دوزخیان در قیامت سوزنده است نه سیراب کننده:

الف: ﴿سُقُوا مَاءً حَمِيماً قَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾^(۱) از آب جوشانی نوشانده می‌شوند که درون آن‌ها را قطعه قطعه می‌کند.

ب: ﴿يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ﴾^(۲) از آبی همچون مس گداخته پذیرایی می‌شوند، که حرارت آن صورت‌ها را کباب می‌کند.

اما اهل بهشت در کنار نه‌هایی از آب گوارا زندگی می‌کنند و از شیر و عسل مصفا که از طرف خداوند برای آنان آماده شده است استفاده می‌کنند و از همه‌ی نعمت‌های الهی بهره‌مندند. ﴿وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾^(۳)

□ در تاریخ آمده است: یکی از ستمگران بنی‌امیه به نام «ولید بن یزید بن عبدالملک» روزی برای آگاه شدن از آینده‌اش، قرآن را باز کرد و چشمش به این آیه ﴿استفتحوا...﴾ افتاد، عصبانی شد و قرآن را پاره کرد و شعری به این مضمون سرود: ای قرآن! تو مرا جبار عنید می‌دانی و تهدیدم می‌کنی؟ آری، من همان جبار عنیدم. من امروز تو را پاره می‌کنم، تا در قیامت گواهی دهی که ولید مرا پاره‌پاره کرد.^(۴)

﴿ ۱۷ ﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

آن (آب چرکین) را جرعه جرعه می‌آشامد، در حالی که فرو بردن آن هرگز گوارا نیست و مرگ از هر سو به سراغ او می‌آید، ولی او مردنی نیست و پس از آن، عذاب شدیدی است.

۱. محمد، ۱۵.

۲. کهف، ۲۹.

۳. انسان، ۲۱.

۴. تفسیر نمونه.

نکته‌ها:

- در این آیه، سیمایی از عذاب دوزخیان مطرح شده است:
- الف: عذاب اهل دوزخ ذره ذره است تا شکنجه‌ی آنان بیشتر باشد.
- ب: عذاب‌های گوناگون، دوزخیان را تا مرز مرگ پیش می‌برند، ولی آنان نمی‌میرند.
- ج: عذاب‌ها، عقبه‌های سخت‌تری دارد و رو به افزایش است.
- قرآن در وصف عذاب قیامت، چندین تعبیر دارد: «الیم»، «شدید»، «غلیظ»، «عظیم» که همه اشاره به شدت و عظمت عذاب دارد.
- «اساغه» به معنای آشامیدن آب است با میل و رغبت. جمله‌ی ﴿لَا يَكَادُ يَسِيغُهُ﴾ یعنی هرگز با میل خود آن را نمی‌آشامد.^(۱)
- رسول اکرم ﷺ فرمود: هرکس شراب بنوشد، تا چهل روز نمازش قبول نمی‌شود و سزاوار است که خداوند از آب بد بوی متعفن دوزخ، به او بنوشاند.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- عذاب دوزخ تدریجی و دائمی است. ﴿يَتَجَرَّعُهُ﴾
- ۲- دوزخیان مرگ ندارند و عذاب دوزخ سبب مرگ نمی‌شود. ﴿مَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾
- ۳- عذاب دوزخ رو به افزایش است. ﴿وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ﴾

۲. تفسیر مجمع البیان.

۱. تفسیر تبیان.

﴿ ۱۸ ﴾ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

مثال (کارهای) کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، همچون خاکستری است که در روز طوفانی تندبادی بر آن بوزد، آنان بر حفظ ذره‌ای از آنچه بدست آورده‌اند، قادر نیستند. این، همان گمراهی دور و عمیق است.

نکته‌ها:

- در آیات قبل، سخن از خسران و محرومیت ستمگران لجوج بود، ﴿و خاب كل جبار عنيد﴾ این آیه توضیح همان خسارت است.
- خداوند بدی‌های مؤمنان را در شرایطی به نیکی‌ها و حسنات تبدیل می‌کند، ﴿يبدل الله سيئاتهم حسنات﴾^(۱) ولی اعمال بد کفار، حسناتشان را نابود می‌کند، ﴿كرماذ اشتدت به الریح﴾ و در آیات دیگر آمده است: ﴿حبطت اعمالهم﴾^(۲) یعنی اعمالشان محو می‌شود.
- قرآن در آیات زیادی مسأله‌ی پوچ شدن و بی‌ثمر بودن اعمال کفار را مطرح کرده است: از جمله می‌فرماید: ﴿و قدما الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا﴾^(۳) ما اعمال آنها را می‌آوریم و پوچ می‌کنیم. و اگر درباره‌ی کفار می‌خوانیم: ﴿فلا نقيم لهم يوم القيامة وزنا﴾^(۴) در قیامت میزانی برای کفار به‌پا نمی‌کنیم، شاید اشاره به همین مطلب باشد.

پیام‌ها:

- ۱- اعمال کفار، آتشی است که جز خاکستر چیزی به جای نمی‌گذارد. ﴿كرماذ﴾
- ۲- اعمال کفار، شما را خیره و دل‌باخته نکند که پوچ و بی‌ثمر است. ﴿كرماذ﴾
- ۳- کافر سرمست، از توبه و نجات دور است. ﴿بعيد﴾

۳. فرقان، ۲۳.

۲. اعراف، ۱۴۷.

۱. فرقان، ۷۰.

۴. کهف، ۱۰۵.

۴- کفر اعمال نیک را هم به باد می دهد. ﴿کفروا... اعماهم کرماد﴾

﴿۱۹﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئُوسًا يُذْهِبُكُمْ
وَيَأْتِي بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

آیا ندیدی که خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید؟ اگر بخواید شما را
می برد و آفریده های جدید (به جای شما) می آورد.

﴿۲۰﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعْزِينَ

و این تبدیل و جابه جایی، برای خداوند سخت نیست.

نکته ها:

□ قرآن، چندین بار فرموده: ما آسمان ها و زمین را بیهوده و بازیچه نیافریدیم. ﴿ما خلقنا
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾^(۱)، در جای دیگر می فرماید: ﴿ما خلقنا السَّمَاءَ
وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بِاطْلَا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾^(۲) آری، این کفارند که خلقت هستی را
بی هدف و باطل می پندارند.

پیام ها:

- ۱- آفرینش آسمان ها و زمین، بر اساس حکمت و مصلحت و هدفی شایسته انجام گرفته است. ﴿بِالْحَقِّ﴾
- ۲- خداوند، به بود و نبود ما نیازی ندارد، مغرور نشویم. ﴿إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ﴾
- ۳- هستی و دوام آن، به اراده و مشیّت الهی وابسته است. ﴿إِنْ يَشَاءُ﴾
- ۴- جهان بدون انسان باطل است، حتی اگر شما را ببریم، انسان های دیگری را می آوریم تا آفرینش آسمان ها و زمین بیهوده نباشد.^(۳) ﴿يَأْتِي بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾

۱. دخان، ۳۸.

۲. ص، ۲۷.

۳. تفسیر المیزان.

﴿۲۱﴾ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرٌ عَلَيْنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ

و (در قیامت، مردم) همگی در پیشگاه خدا ظاهر شوند. پس ضعیفان به مستکبران گویند: ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، پس آیا (امروز) می‌توانید چیزی از عذاب خدا را از ما بازدارید؟ (آن‌ها در پاسخ) گویند: اگر خداوند ما را (به رهایی از عذاب) هدایت کرد، قطعاً ما شما را هدایت می‌کنیم بر ما یکسان است که فریاد و ناله بزینم یا صبر کنیم (و ضجه‌ای نزنیم) برای ما هیچ راه نجاتی نیست.

نکته‌ها:

- «بروز» به معنای خروج است و «مبارز» کسی را گویند که از صف لشکر خارج شود و آمادگی خود را برای نبرد با دشمن اعلام کند.
- گرچه معمولاً مردم بر دین و روش حاکمانشان هستند، «التاس علی دین ملوکهم» اما در سیستم مدیریت اسلامی، اطاعت مطلق از مدیر نداریم. «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق»^(۱) بنابراین، شعار «المأمور معذور» صحیح نیست.

پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، همه‌ی مردم یکجا در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند. «جمیعاً»
- ۲- نتیجه تقلید و پیروی کورکورانه، حسرت است. «کنا لکم تبعاً فهل انتم معنون»
- ۳- دوزخیان تنها تخفیف گوشه‌ای از عذاب را توقع دارند، نه تمام آن را. «من شیء»
- ۴- هدایت و ضلالت رهبران جامعه، در سعادت یا شقاوت مردم نقش مهمی دارد. «لو هدانا الله لهدیناکم»
- ۵- یکی از عذاب‌های روحی و روانی رهبران فاسد در قیامت، اقرار آنها به

۱. بحار، ج ۱۰، ص ۲۲۷.

ناتوانی و بدبختی خود، در برابر پیروان خویش است. ﴿لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ﴾
 ۶- آنها که در دنیا، به انبیا می‌گفتند: برای ما فرقی ندارد که ما را موعظه کنید یا
 نکنید. ﴿سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعظت أم لم تكن من الواعظین﴾^(۱) در قیامت هم می‌گویند:
 فرقی ندارد که ما جیغ بکشیم یا آرام باشیم، به هر حال، دچار عذابیم. ﴿سَوَاءٌ
 عَلَيْنَا أجزعنا أم صبرنا﴾

۷- فرار از دادگاه و کیفر الهی امکان ندارد. ﴿ما لنا من محيص﴾

۸- در قیامت میان کفار، قیل و قال و گفتگو بسیار است. ﴿قال... قالوا﴾^(۲)

۹- در قیامت هیچ‌کس نمی‌تواند مانع عذاب الهی شود. ﴿فهل أنتم مغنون﴾

﴿۲۲﴾ وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَ
 وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ
 فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ
 وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ
 الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و(چون کار کیفر و پاداش به اتمام رسد) شیطان (از روی ملامت به دوزخیان)
 گوید: همانا خداوند به شما وعده داد، وعده راست و من به شما وعده دادم، ولی با
 شما تخلف کردم، من بر شما تسلطی نداشتم، جز آن که شما را دعوت کردم و شما
 (به میل خود) استجابت کردید. پس مرا ملامت و نکوهش نکنید و خود را سرزنش
 کنید. (در این روز) نه من می‌توانم فریادرس شما باشم و نه شما فریادرس من. من
 از این‌که مرا پیش از این شریک خدا قرار داده بودید، بیزارم. قطعاً برای ستمگران
 عذاب دردناکی است.

۱. شعراء، ۱۳۶.

۲. آیات مربوط به گفتگوی مستضعفان با مستکبران از کفار در قیامت، در سوره‌ی سبأ آیه ۳۱ و
 سوره‌ی غافر آیه ۴۷ نیز آمده است.

نکته‌ها:

□ گناهکار در قیامت دست و پا می‌زند تا برای خود شریک جرم پیدا کند و انحراف خود را به گردن دیگران بیندازد. گاهی می‌گوید: دوست بد مرا منحرف کرد. ﴿لَقَدْ اضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ﴾^(۱) گاهی می‌گوید: رهبران فاسد مرا فاسد کردند. ﴿لَوْلَا اَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾^(۲) گاهی شیطان را ملامت می‌کند و او را عامل گمراهی خود می‌داند، اما شیطان می‌گوید: مرا سرزنش نکنید، ﴿لَا تَلُمُونِي...﴾ من جز وسوسه و دعوت کاری نداشتم. انحراف از خود شما بود.

□ تسلط نداشتن شیطان بر انسان، هم مورد تأیید خداوند است و هم خود شیطان به آن اقرار دارد. ﴿ان عبادي ليس لك عليهم سلطان﴾^(۳) تو بر بندگان خالص من تسلطی نداری. در این آیه نیز می‌گوید: ﴿ما كان لي عليكم من سلطان﴾

پیام‌ها:

- ۱- وعده‌های الهی، حَقّ و مطابق با واقع است. ﴿وعد الحقّ﴾
- ۲- شیطان با وعده‌هایش انسان را فریب می‌دهد. ﴿و وعدتكم فاخلفتكم﴾ چنانکه در جای دیگر آمده: ﴿يعدهم و يُؤنِّبهم و ما يعدهم الشَّيْطَانُ الاَّ غُرُورا﴾^(۴)
- ۳- شیطان، انسان را مجبور نمی‌کند، بلکه وسوسه و دعوت می‌کند. ﴿دعوتکم﴾
- ۴- حتّی شیطان، انسان فاسد را سرزنش می‌کند. ﴿لوموا انفسکم﴾
- ۵- ملامت یکی از دلایل آزادی و اختیار انسان است، ﴿لا تلوموني ولوموا انفسکم﴾ زیرا انسان مجبور، ملامت ندارد.
- ۶- گناه خود را به گردن شیطان نیاندازیم. ﴿فلا تلوموني﴾
- ۷- در قیامت رابطه‌ها قطع می‌شود. ﴿ما انا بمُصْرِحکم﴾ (رهبران باطل و پیروان آنان از یکدیگر بی‌زاری می‌جویند. شیطان به پیروانش می‌گوید: ﴿انی کفرت بما

۱. فرقان، ۲۹.

۲. سبأ، ۳۱.

۳. حجر، ۴۲.

۴. نساء، ۱۲۰.

اشرکت‌مون ﴿ و پیروان گمراه نیز به رهبران خود می‌گویند: اگر برای ما فرصتی پیش آید و به دنیا برگردیم ما نیز از شما بیزاری خواهیم جست. ﴿لَوْ اَنَّ لَنَا كِرَّةً فَنَتَّبِرًا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا﴾^(۱)

۸- اطاعتِ غیر خداوند شرک است. ﴿اشرکت‌مون﴾

۹- استجابت دعوت‌های شیطانی، ظلم به خود و مکتب است. ﴿اِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ﴾

﴿۲۳﴾ وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغ‌هایی که از زیر درختانش نهرها جاری است داخل شوند آنان با اذن پروردگارشان برای همیشه در آن خواهند بود و تحیت آنان به یکدیگر سلام است.

نکته‌ها:

□ در بهشت به هر سو بنگری، سلام است:

سلام از طرف خداوند، به اهل بهشت: ﴿سلام قولا من ربِّ رحيم﴾^(۲)

سلام از طرف فرشتگان به مؤمنان: ﴿سلام عليكم طيبم فادخلوها﴾^(۳)

سلام از طرف خود اهل بهشت به یکدیگر: ﴿تحيتهم فيها سلام﴾

□ گاهی انسان، خود به جایی می‌رود و گاهی دیگران می‌آیند و او را با تشریفات مخصوص به آن جا می‌برند. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿و ادخل﴾ یعنی اهل بهشت به صورت ساده و معمولی داخل نمی‌شوند، بلکه آنان را با احترام و تشریفات به بهشت می‌برند. در آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی زمر نیز می‌فرماید: ﴿وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمرا﴾. اما درباره‌ی دوزخیان می‌خوانیم که آنان را با شکنجه به سوی عذاب می‌برند: ﴿خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه﴾^(۴) او را بگیرید و ببندید و سپس به دوزخ پرتاب کنید.

۱. بقره، ۱۶۷.

۲. یس، ۵۸.

۳. زمر، ۷۳.

۴. الحاقه، ۳۰ - ۳۱.

□ اهل دوزخ، از یکدیگر متنفر و بیزارند و همدیگر را نفرین می‌کنند، ولی بهشتیان به یکدیگر سلام می‌کنند.

□ در بهشت، نهرهای مختلفی وجود دارد:

الف: نهر آب: ﴿انهار من ماء﴾

ب: نهر شیر: ﴿انهار من لبن لم يتغير طعمه﴾

ج: نهر شراب بهشتی: ﴿انهار من خمر لذة للشاربين﴾

د: نهر عسل: ﴿و انهار من عسل مصق﴾^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- مؤمنان نیکوکار، همواره در بهشت خواهند بود. ﴿ادخل الذين آمنوا... خالدین﴾
- ۲- بهشتیان اهل صفا و صمیمیت و سلام‌اند، نه نزاع و قهر. ﴿تحیتهم فیها سلام﴾

﴿۲۴﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا

ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل زده؟ کلمه طیبیه (سخن وایمان) پاک همانند درختی پاک است که ریشه‌اش ثابت و شاخه‌اش در آسمان است.

نکته‌ها:

- شجره‌ی طیبیه و درخت پاک آثاری دارد، مانند: رشد داشتن، پرمیوه بودن، سایه‌دار و پایدار بودن، در همه وقت ثمر دادن. انسان موحد نیز هرگز راکد نیست و آثار ایمانش دائماً در گفتار و اعمالش آشکار است. اعتقادش دایمی است نه موسمی و همواره دیگران را به ایمان و معروف دعوت می‌کند.
- در روایات و تفاسیر از چند چیز به عنوان مصداق کلمه‌ی طیبیه یاد شده است: توحید، ایمان، عقاید صحیح، رهبران آسمانی و یاران آنان. آری توحید، اصل ثابتی است که در

۱. محمد، ۱۵.

فطرت و عمق جان مردم جای دارد. ﴿اصلها ثابت﴾ و در تمام اعمال و گفتار و افکار انسان اثر می‌گذارد. ﴿فرعها فی السماء﴾ و در همه وقت و در هر فراز و نشیبی می‌توان از میوه‌ی ایمان بهره‌مند شد.

□ درخت توحید ریشه‌ای ثابت دارد. تهدیدها و توطئه‌ها و نیش‌ها و نوش‌ها و طاغوت‌ها آن را از پای در نمی‌آورند و اگر در روایات این درخت به پیامبر و اهل بیت او علیهم‌السلام تفسیر شده، به خاطر همین است که دین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و راه اهل بیتش در برابر آن همه دشمن، رو به گسترش است و روزی جهانگیر خواهد شد.

پیام‌ها:

- ۱- در مثال‌های قرآن دقت کنیم. ﴿أَلَمْ تَرَ﴾
- ۲- عقیده حَقّ، کلمه‌ی طیّبه‌ای است که اصل آن در قلب مؤمن ثابت است. ﴿اصلها ثابت﴾ و از الطاف خداوند آن است که مؤمنان را بر این عقیده حفظ می‌کند. ﴿يُنَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ﴾^(۱)
- ۳- کلام حَقّ، پایدار و استوار و پابرجاست. ﴿کلمة طیّبه... اصلها ثابت﴾

﴿ ۲۵ ﴾ تُوْتِيْ أَكْلَهَا كُلَّ حِيْنٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

(شجره طیّبه) با اذن پروردگارش، همواره میوه می‌دهد و خداوند برای مردم مثلهایی می‌زند، باشد که به یاد آرند و پند گیرند.

نکته‌ها:

□ جز خداوند و ایمان به او، همه چیز فانی است، ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ﴾^(۲) و چیزی که فانی است نمی‌تواند برای همیشه ثمر دهد، ولی هر کاری که رنگ خدایی دارد ابدی است، ﴿ما عندکم ینفد و ما عندالله باق﴾^(۳) آری، رنگ خدایی ثابت است و سایر رنگ‌ها از بین

۳. نحل، ۹۶.

۲. قصص، ۸۸.

۱. ابراهیم، ۲۷.

می‌روند. ﴿و من أحسن من الله صبغة﴾^(۱)

□ درخت ایمان همواره ثمر می‌دهد و مومن در همه حال به یاد خدا و در پی انجام وظیفه است، در رفاه یا سختی، در خوشی یا ناخوشی، در فقر و غنی.

هنگام تهدید ستمگران، تا پای جان مقاومت می‌کند. ﴿اتألی ربنا راغبون﴾^(۲)

هنگام تبلیغ، چشم داشتی به دیگران ندارد. ﴿ان أجری الا علی الله﴾^(۳)

هنگام خشم، برای رضای او خود را نگاه می‌دارد. ﴿والکاظمین الغیظ﴾^(۴)

هنگام ازدواج، بر او توکل می‌کند. ﴿ان یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله﴾^(۵)

هنگام عبادت و اطاعت، قصد قربت دارد. ﴿ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین﴾^(۶)

هنگام فقر، نزد اغنیا نمی‌رود و اهل تملق نیست. ﴿رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر﴾^(۷)

هنگام پیروزی یا شکست در جبهه‌ی نبرد، چون به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌اند، خوشحال است. ﴿احدی الحسنین﴾^(۸)

آری! ایمان به خداوند متعال، همچون درختی است که میوه‌ی آن در هر لحظه، در دنیا و برزخ و قیامت انسان را کامیاب می‌کند. ﴿تؤتی أكلها کلّ حین﴾ ولی مال و مقام و فرزند و نعمت‌های دیگر، همچون درختی است که تنها چند روز میوه می‌دهد، آن هم میوه‌ای بسیار اندک. بگذریم که گاهی همین مال و مقام و فرزند، هیچ میوه‌ای ندارند و تنها وسیله‌ی شکنجه روحی انسان می‌شوند. ﴿انما یرید الله لیعذبهم بها﴾^(۹)

پیام‌ها:

- ۱- درخت ایمان، همواره ثمر دارد و مومن پاییز و خزان ندارد. ﴿اکلها کلّ حین﴾
- ۲- تشبیه و تمثیل، شیوه‌ای قرآنی برای توجه و تذکر مردم. ﴿لعلّهم یتذکرون﴾

۱. بقره، ۱۳۸.	۲. قلم، ۳۲.	۳. یونس، ۷۲.
۴. آل عمران، ۱۳۴.	۵. نور، ۳۲.	۶. انعام، ۱۶۲.
۷. قصص، ۲۴.	۸. توبه، ۵۲.	۹. توبه، ۵۵.

﴿۲۶﴾ وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

و مَثَلُ سَخْنٍ (و اعتقاد) پلید همچون درختی پلید (و بی ریشه) است که از روی زمین برآمده و هیچ ثباتی ندارد.

نکته‌ها:

- «اجتثا» به معنای قلع و قمع و کندن است.
- عقاید و کلمات و انسان‌های آلوده و منحرف، نه ریشه دارند و نه میوه و نه گل و نه زیبایی و عطر، نه پایداری نه سایه و نه رشد، بلکه خاری بر سر راه دیگرانند.

پیام‌ها:

- ۱- از شیوه‌های تعلیم و تربیت، روش مقایسه است. ﴿کَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ... کَلِمَةٌ خَبِيثَةٌ﴾
- ۲- شرک و هر چه که دون الله باشد، ثبات و دوام ندارد. ﴿مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾
- ۳- عقاید باطل همچون علف‌های هرز، ریشه‌ای در عمق زمین ندارد، زیرا پایه و مبنای درست ندارد. ﴿اجتثت من فوق الارض﴾

﴿۲۷﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

خداوند در زندگی دنیا و در آخرت، اهل ایمان را با کلام (و عقیده‌ی حق) و ثابت، پایدار قرار می‌دهد و خدا ستمگران را (به حال خود رها کرده، توفیقشان را گرفته) گمراه می‌کند و خداوند آنچه بخواهد (طبق عدل و حکمت خود) انجام می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- بهره‌مندی از امدادهای الهی، وابسته به راهی است که انسان انتخاب می‌کند. ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾

- ۲- اگر یاری خداوند نباشد، انسان در برابر وسوسه‌ها و هوس‌ها و طاغوت‌ها از پا درمی‌آید و سقوط می‌کند. ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾
- ۳- اهل ایمان از نظر منطق، محکم و استوارند و در برابر مکتب‌های مادی می‌ایستند. ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾
- ۴- انسان اگر ایمان آورد، خدا او را بیمه می‌کند و اگر به درخت خبیثه و مکتب باطل دل دهد، خدا او را رها می‌کند. ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... يَضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ﴾
- ۵- پذیرش مکتب‌های باطل، ظلم به خود و مکتب است. ﴿الظَّالِمِينَ﴾
- ۶- قهر الهی به راهی وابسته است که انسان انتخاب می‌کند. ﴿يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ﴾

﴿۲۸﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ

آیا به کسانی که نعمت خداوند را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند ننگریستی؟

﴿۲۹﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارُ

(آنان) به دوزخ درآیند که چه بد جایگاهی است.

نکته‌ها:

- «بوار» به معنای بی‌رونقی و کساد شدیدی است که به هلاکت کشیده شود.^(۱)
- کفار و مشرکان نعمت‌های بزرگ الهی را به کفر تبدیل کردند:
- الف: به جای نعمت توحید، شرک را برگزیدند.
- ب: نعمت فطرت پاک را رها کردند و به تقلید از نیاکان گمراه خود پرداختند.
- ج: خرافات را بر وحی الهی ترجیح دادند.
- د: در برابر نعمت رهبران آسمانی، ناسپاسی کردند و از طاغوت‌ها پیروی کردند. ﴿بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ﴾

۱. مفردات راغب.

□ در روایات بسیار می‌خوانیم: امامان شیعه علیهم‌السلام فرمودند: «نحن والله نعمة الله التي انعم بها على عباده»^(۱) به خدا سوگند نعمت‌هایی که تبدیل شدند، وجود ما بود. مردم ما را رها کردند و به سراغ رهبران دیگر رفتند. ﴿بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ﴾
 □ مشابه این آیه در آیات دیگر نیز آمده است، مثلاً در آیه ۴۱ قصص می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ آئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾ و در آیه ۹۸ سوره کهف می‌فرماید: ﴿يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- هرگونه تبدیل، تغییر و تحریف نعمت‌ها و آیات الهی کفر است. ﴿بَدَلُوا... كُفْرًا﴾
- ۲- رهبران منحرف، مایه‌ی هلاکت و فساد جامعه می‌شوند و مردم را به جهنم می‌فرستند. ﴿وَاحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾

﴿۳۰﴾ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْذَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ

إِلَى النَّارِ

(رهبران فاسد) برای خداوند شریک‌هایی قرار دادند تا مردم را از راه خدا گمراه نمایند. بگو: کامیاب شوید که قطعاً پایان کار شما آتش است.

نکته‌ها:

□ بعضی در آفرینش جهان، برای خداوند شریک قایل‌اند و بعضی در نعمت‌ها برای خدا شریک می‌پندارند. داشتن سلامت و علم و قدرت و عزت و مال را از هنر خود یا قدرت‌ها می‌شمارند، اما بسیار زود درمی‌یابند که به گمراهی رفتند.

پیام‌ها:

- ۱- از بدترین انواع کفران نعمت، شریک قرار دادن برای خدا و گمراه کردن مردم

۱. مجمع البیان.

است. ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ انْدَاداً لِيُضِلُّوا﴾

۲- گاهی سرچشمه‌ی شرک، طاغوت‌ها هستند. ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ انْدَاداً لِيُضِلُّوا﴾ و گاهی جاذبه‌ی بت‌ها عامل انحرافند. ﴿وَاجْتَنِبْ وَبَنِيَّ ان نَعْبُدُ الْاَصْنَامَ رَبِّ انْهِنِّ اضِلِّنْ كَثِيْرًا مِنْ النَّاسِ﴾^(۱)

۳- خداوند افرادی را به حال خود رها می‌کند. ﴿قَلِّمْتَعُوا﴾

۴- کافران در دنیا کامیابند، ولی آخرت ندارند. ﴿تَمَتَّعُوا فَاِنَّ مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ﴾

۵- هر رفاهی نشانه‌ی مهر نیست، شاید وسیله و مقدمه‌ی قهر الهی باشد. ﴿تَمَتَّعُوا﴾

﴿۳۱﴾ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

سِرّاً وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ

(ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند،

و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که

روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه‌ای.

نکته‌ها:

□ انفاق آشکار، سبب تربیت نسل و تشویق دیگران و رفع تهمت از خود است و انفاق پنهانی

عامل رشد و اخلاص است. البته بعضی مفسران گفته‌اند: انفاق علنی مربوط به انفاق‌های

واجب مثل خمس و زکات است و انفاق مخفی مربوط به موارد مستحب مثل صدقه است.

□ با این‌که هر یک از انفاق آشکار و پنهان اثری دارند، ولی شاید بتوان گفت، انفاق پنهان

بهتر است، چون در این آیه «سِرّاً» بر «علانیة» مقدم شده است.

پیام‌ها:

۱- برای فرمان دادن، به طرف خود شخصیت دهید. ﴿لِعِبَادِي﴾

بندگی خدا مدال افتخار مومنان است.

۱. ابراهیم، ۳۵-۳۶.

- ۲- ایمان قلبی کافی نیست، نماز، انفاق و عمل صالح لازم است. ﴿آمِنُوا يَتَّقُوا
الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا﴾
- ۳- اسلام دین جامع است. رابطه با خدا و کمک به محرومان، در کنار هم و شرط
قبولی یکدیگرند. ﴿يَتَّقُوا الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا﴾
- ۴- مورد انفاق، تنها مال نیست، از هر چه داریم باید انفاق کنیم. (چه علم و
ثروت، چه آبرو و قدرت) ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ﴾
- ۵- انفاق باید از رزق خدا یعنی مال حلال باشد، نه از هر مالی که داشتیم. فرمود:
﴿رَزَقْنَاهُمْ﴾ و فرمود ﴿عِنْدَكُمْ﴾
- ۶- انفاق باید گاهی پنهان و گاهی آشکارا باشد. ﴿سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾
- ۷- از فرصت‌ها استفاده کنید. ﴿مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ ...﴾
- ۸- اگر دنبال تجارت هستید در دنیا با خدا معامله کنید، زیرا که در قیامت هیچ داد
و ستدی نیست. ﴿يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ﴾
- ۹- با پول و پارتی نمی‌توان از عذاب قیامت فرار کرد. ﴿لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالَ﴾

﴿۳۲﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي
الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ

خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس با آن
برای رزق شما از (زمین) میوه‌ها بیرون آورد و کشتی را رام شما نمود تا به
فرمان او در دریا به حرکت درآید و برای شما نهرها را مسخّر نمود.

نکته‌ها:

- این آیه از سه زاویه به مسأله‌ی آب اشاره کرده است:
الف: آب باران که وسیله‌ی آبیاری گیاهان و مایه‌ی حیات آنها و سبب سالم سازی هوا و
تغییر و تلطیف آن است.

ب: آب دریا که تأمین کننده‌ی زندگی حیوانات دریایی و بهترین و ارزان‌ترین مسیر برای عبور کشتی‌ها و سرچشمه‌ی ابر و باران است.

ج: آب نهرها که وسیله‌ی آب رسانی به مناطق بی‌آب است.

□ خداوند در آیه‌ی قبل به نماز و انفاق سفارش کرد. در این آیه می‌فرماید: همه چیز را خدا به شما داده است، چرا در انفاق سستی می‌کنید؟

□ «تسخیر» هم به معنای بهره‌گیری از منافع است، مثل تسخیر خورشید و ماه و هم به معنای تسلط و تسلط کامل است، نظیر تسخیر کشتی‌ها و نهرها و تسلط انسان بر آنها.

پیام‌ها:

۱- شناخت نعمت‌های خداوند، بهترین راه خداشناسی است که با فهم عموم و

عشق و انگیزه و عبادت همراه است. ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ... سَخَّرَ لَكُمْ﴾

۲- در میان همه‌ی نعمت‌های خداوند، آب یکی از مهم‌ترین آنهاست. ﴿مَاءٌ - فِي

الْبَحْرِ - أَنْهَارٌ﴾

۳- آفرینش هستی، برای انسان است. ﴿رِزْقًا لَكُمْ - سَخَّرَ لَكُمْ﴾

۴- گرچه اسباب مادی نقش دارند، اما تمام عوامل به فرمان خداست. ﴿بِأَمْرِهِ﴾

۵- انسان، بر طبیعت حاکم است ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾

﴿۳۳﴾ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

و (خداوند) خورشید و ماه را که دائماً در حرکت هستند، برای شما رام

نمود و نیز شب و روز را برای شما مسخّر نمود.

نکته‌ها:

□ «دائِبین» از «دأب» به معنای عادت مستمزه است. مانند: ﴿كُدَّأبُ آلِ فِرْعَوْنَ﴾ و

«مراغی» در تفسیر خود گفته است: «دائِبین» به معنای «دائِمین فی الحَرَكَة» است، مانند:

﴿كَلَّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾

آری خورشید، نیروگاه بزرگی است که دائماً کار می‌کند. بر خلاف نیروگاه‌های بشری که هر چند وقت یک بار تعطیل و تعمیر می‌شوند. اگر خورشید مدتی نباشد چه می‌شود؟ حیات انسان‌ها و گیاهان و حیوانات به کجا منتهی خواهد شد؟ وجود میکروب‌های فراوان و نبودن گرما و بخار و ... جهان را با چه مصیبتی روبه‌رو خواهد کرد؟

ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نببری

پیام‌ها:

۱- نه فقط زمین و نعمت‌های زمینی، بلکه آسمان و اجرام آسمانی نیز برای بهره‌گیری بشر و مطابق نیازهای او آفریده شده‌اند. ﴿سُخِرَ لَكُمْ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾

﴿۳۴﴾ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

و (خداوند) از هر آنچه که از او خواستید (و نیاز داشتید) به شما داده است، و اگر (بخواهید) نعمت خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به دقت شماره کنید همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است.

نکته‌ها:

- در آیه ۱۸ سوره‌ی نحل می‌خوانیم: ﴿ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم﴾ اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید. همانا خداوند بخشنده و مهربان است.
- در آیات قبل خواندیم که رهبران فاسد، مردم را به سوی غیر خدا دعوت می‌کنند. ﴿جعلوا لله اندادا﴾ این آیه می‌گوید: با آنکه از غیر خدا هیچ کاری ساخته نیست و هر که هر چه دارد از آن خداست، ولی انسان، بی‌توجه و ناسپاس است.
- «عدّ» یعنی شمردن، «احصاء» یعنی شمردن با دقت بگونه‌ای که هیچ چیز از قلم نیافتد.

پیام‌ها:

- ۱- عوامل تولید در اختیار انسان است. (آب، خاک و نور خورشید...) اگر نارسایی و کمبودی وجود دارد به خاطر مدیریت غلط و توزیع نامطلوب است. ﴿و آتاکم من کلّ... ان الانسان لظلوم کفّار﴾
- ۲- خدایی که بشر را آفرید، همه‌ی نیازهای او را از راه درست برآورده ساخت، اما انسان به دنبال رفع نیازهای خود از راه گناه است. ﴿آتاکم من کلّ ما سألتموه... ان الانسان لظلوم کفّار﴾
- ۳- انسان موجودی نیازمند و محتاج است. ﴿سألتموه﴾
- ۴- انسان قدرت ندارد نعمت‌های خدا را بشمارد، چه رسد به این که بخواهد شکر آنها را به جای آورد. ﴿لاتحصوها﴾
- ۵- اگر انسان از نعمت‌های الهی درست استفاده نکند، بسیار ستمگر و کفران کننده است. ﴿ظلوم کفّار﴾

﴿ ۳۵ ﴾ **وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ**

و (به یاد آور) زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را امن قرار ده و من و فرزندانم را از اینکه بت‌ها را بپرستیم دور بدار.

نکته‌ها:

- در این آیه و آیات بعد، سیمایی از دعاهای حضرت ابراهیم که نشان دهنده‌ی سوز و روح بزرگ اوست مطرح است و شاید به دلیل همین دعاها، این سوره، «ابراهیم» نامیده شد.
- ابراهیم علیه السلام در دو زمان برای مکه دعا کرد: بار اوّل زمانی بود که اسماعیل و هاجر را در آن جا اسکان داد و گفت: ﴿ربّ اجعل هذا بلداً آمناً﴾^(۱) پروردگارا! این مکان را شهر امن قرار

۱. بقره، ۱۲۶.

ده. بار دوم زمانی بود که جمعیتی به مکه آمد و در این شهر مقیم شد، در این جا هم ابراهیم دعا کرد و گفت: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾

□ سؤال: آیا تمام افراد نسل ابراهیم به خاطر این دعا موحد شدند؟

پاسخ: دعا یک عامل است و اراده‌ی فرزندان عامل دیگر می‌باشد. قصه‌ی پسر نوح را فراموش نکنیم.

□ سؤال: چگونه ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام از «مکه» به عنوان شهر یاد کرد با این که در آیات بعد می‌گوید: «این جا سرزمینی غیر قابل کشت است»؟

پاسخ: شهر بودن مکه یا بعد از ورود قبایل به این منطقه بوده که این دعا هم مربوط به آن وقت است و یا اینکه بگوییم: میان شهر بودن یک منطقه و غیرقابل کشت بودن آن منافاتی وجود ندارد. الآن هم مکه شهری غیر قابل کشت است.

□ سؤال: با این که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام قهرمان توحید بود، پس چرا دعا کرد که خدایا! مرا از شرک دور کن؟

پاسخ: پیامبر اسلام نیز همواره در صراط مستقیم گام برمی‌داشت، با این حال در هر نماز می‌گفت: ﴿اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ یعنی اگر کسی یقین هم دارد در راه راست قدم برمی‌دارد، باز باید از خطر انحراف بترسد و از خداوند استمداد کند.

□ مراد از «جعل امنیتی»، قانونی است که امنیت مکه را تضمین کند، نه آنکه مکه در طول تاریخ امن بوده است، زیرا کعبه بارها مورد هجوم دشمنان قرار گرفت و در مکه خون‌ها ریخته شد و خود پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یارانش شکنجه شدند و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به دلیل نامنی مکه، حج را رها کرد، ولی قانون الهی آن جا را منطقه‌ی امن قرار داده است.

پیام‌ها:

۱- دعا برای حفظ فکر و عقیده‌ی صحیح، از بهترین دعاهاست. ﴿واجنبی و بنی ان نعبد الا صنم﴾

۲- مراکز عبادت باید امنیتی داشته باشد. ﴿هذا البلد آمنا﴾

۳- امنیت، شرط لازم برای زندگی است. ﴿البلد آمنا﴾

- ۴- رهبران جامعه باید به فکر امنیّت مردم باشند. «رَبِّ اجْعَلْ... آمناً»
- ۵ - امنیّت، برای آزادی گناه و عیاشی نیست، بلکه امنیّت باید مقدمه‌ی عبادت باشد. «آمناً» «آمناً یعبدوننی»^(۱)
- ۶- احتمال خطر شرک، از هیچ مقامی حتّی قهرمان توحید و ابراهیم دور نیست. «واجنبنی و بنّی...»
- ۷- در دعاها، دیگران به خصوص فرزندان خود را نیز یاد کنیم. «واجنبنی و بنّی»

﴿ ۳۶ ﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيراً مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ

عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

پروردگارا! همانا بت‌ها بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند، پس هر که مرا پیروی کند، قطعاً او از من است و هر کس با من مخالفت کند، همانا تو بخشنده‌ی مهربانی.

نکته‌ها:

- سؤال: چگونه بت‌ها که مجسمه‌هایی از سنگ و چوب هستند، انسان را گمراه می‌کنند؟ پاسخ: اولاً: بت‌ها همیشه جماد نیستند، گاهی انسان‌ها و طاغوت‌ها نیز بت می‌شوند. ثانیاً: مسأله‌ی هنر و زیورآلاتی که همراه بت‌ها بود جاذبه داشت. ثالثاً: گاهی جهل سبب می‌شود که سنگ و چوب نیز ارزش پیدا کند.
- اگر این آیه را همراه با آیه‌ی قبل معنا کنیم نتیجه‌ی خوبی به دست می‌آوریم، زیرا در آیه‌ی قبل ابراهیم گفت: «خدایا! فرزندانم را از بت‌پرستی دور بدار.» در این آیه می‌گوید: «کسی که موخّد و پیرو من بود از من است» بنابراین، تمام موحدان فرزندان مکتبی ابراهیم هستند. «مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ» همان‌گونه که رسول اکرم ﷺ فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ ابْنَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^(۲) من و علی پدران مکتبی این امت هستیم. ولی مشرک اگر فرزند پیامبر هم

۲. بحار، ج ۱۶، ۹۵.

۱. نور، ۵۵.

باشد خطاب می‌شود: ﴿أَنْتَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ﴾^(۱)

□ حضرت علی علیه السلام فرمود: «أَنْ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مِنْ اطَاعِ اللَّهِ وَ أَنْ بَعْدَ لِحْمَتِهِ وَ أَنْ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مِنْ عَصَى اللَّهِ وَ أَنْ قَرِيبَ لِحْمَتِهِ» «همانا دوست محمد کسی است که خدا را اطاعت کند، گرچه از نظر فامیلی و نسب دور باشد و دشمن محمد کسی است که خدا را نافرمانی کند، گرچه از بستگان پیامبر باشد.»^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- هنرهایی مثل مجسمه سازی می‌توانند منشأ انحراف شوند، چنانکه بت‌ها افراد بسیاری را گمراه کردند. ﴿أَمْهَنَ اضْلَلْنَ﴾
- ۲- دینداری با شعار نیست با عمل و پیروی از دستورات است. ﴿تَبَعْنِي﴾
- ۳- میان رهبران آسمانی و مردم مؤمن، رابطه‌ی مکتبی برقرار است. ﴿فَأَنَّهُ مَنِّي﴾
- ۴- انبیا حتی نسبت به مخالفان خود دلسوز بودند و آنان را مایوس نمی‌کردند. ﴿مَنْ عَصَانِي فَأَنْتَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
- ۵- مخالفت با دستور پیامبر، مخالفت خداست. ﴿مَنْ عَصَانِي فَأَنْتَ﴾

﴿۳۷﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

پروردگارا! من (یکی) از ذریه‌ام را در وادی (و دره‌ای بی‌آب و) بی‌گیاه، در کنار خانه‌ی گرامی و با حرمت تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم) تا نماز برپا دارند، پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس گزارند.

۱. هود، ۴۶.

۲. بحار، ج ۶۷، ص ۲۵.

نکته‌ها:

- وقتی خداوند در زمان پیری ابراهیم، اسماعیل را به او عطا کرد، او را فرمان داد که این کودک و مادرش را در مکه اسکان دهد. ابراهیم فرمان الهی را اطاعت نمود و سپس برای آنان دعا کرد.
- در روایات می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله بقیه ذریه ابراهیم هستیم که دل‌های مردم به سوی ما گرایش دارد، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «رَبَّنَا اِنِّی اسْکَنْتُ ... فَاجْعَلْ اَفْئِدَةَ مِنْ النَّاسِ»
- کعبه در منطقه‌ای بی‌آب و علف قرار گرفت تا مردم به واسطه‌ی آن آزمایش شوند. چنانکه حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی قاصعه چنین بیان فرمود: اگر کعبه در جای خوش آب و هوایی بود، مردم برای خدا به زیارت آن نمی‌رفتند.
- دعای انبیا مستجاب است. «و اَرْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ»، «حَرَمًا اَمْنًا یَجِی الِیْهِ ثَمَرَاتُ کُلِّ شَیْءٍ»^(۱) حرمی امن که همه‌گونه ثمرات در آن فراهم می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: هر میوه‌ای که در شرق و غرب عالم هست در مکه یافت می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- انتخاب مسکن انبیا بر اساس نماز و عبادت بود. «اسکنت - لیقیموا الصلاة»
- ۲- دینداری، گاهی با آوارگی، هجرت، دوری از خانواده و محرومیت از امکانات رفاهی همراه است. «اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع»
- ۳- کعبه و اطراف آن در زمان حضرت ابراهیم نیز محترم و دارای محدودیت و ممنوعیت بوده است. «بیتک المحرم»
- ۴- محور و مقصد حرکت ابراهیم نماز است. «رَبَّنَا لیقیموا الصلاة»
- ۵- اهل نماز، باید محبوب باشد. «لیقیموا الصلاة فاجعل افئدة من الناس»
- ۶- نماز در ادیان قبل نیز بوده است. «لیقیموا الصلاة»

- ۷- محبوبیت و گرایش دل‌ها به دست خداست. ﴿فاجعل افتدة...﴾
 ۸- همه‌ی مردم لیاقت دوست داشتن اولیای خدا را ندارند. ﴿من الناس﴾
 ۹- مردان خدا، دنیا را برای هدفی عالی می‌خواهند. ﴿من الثمرات لعلهم يشكرون﴾

﴿۳۸﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

پروردگارا! همانا تو آنچه را پنهان و یا آشکار کنیم، می‌دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خداوند پوشیده نمی‌ماند.

نکته‌ها:

□ اکنون که همه چیز برای خدا روشن است و علم او به همه چیز و همه کار ما احاطه دارد باید در محضر او گناه نکنیم و در مخلوقات او جز طبق رضا و دستورات او تصرف نکنیم.

پیام‌ها:

- ۱- در نزد خدا پنهان و آشکار معنا ندارد. ﴿تعلم ما نخفی و ما نعلن﴾
- ۲- زمین و آسمان نزد علم خداوند یکسان است. ﴿ما يخفی... فی الارض و لا فی السماء﴾

﴿۳۹﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

ستایش خداوندی را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود.
 قطعاً پروردگارم شنونده دعاست (و آن را مستجاب می‌کند).

نکته‌ها:

- اسماعیل و اسحاق، از نعمت‌های ویژه‌ی خداوند هستند، زیرا:
 الف: با دعای پیامبر خدا ابراهیم به وجود آمدند.
 ب: در زمان پیری پدر به دنیا آمدند.

ج: اولاد صالح بودند.

د: سرسلسله‌ی انبیای بعدی شدند.

ضمناً آنچه مهم است، اولاد صالح است، چه از کنیز باشد و چه از غیر آن. (اسماعیل از کنیز و اسحاق از آزاده بود)

پیام‌ها:

- ۱- به هنگام ذکر نعمت‌های الهی از خداوند تشکر کنیم. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾
- ۲- خدا را به خاطر دعا‌های مستجاب شده، شکر کنیم. ﴿إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾
- ۳- فرزند، هدیه الهی است. ﴿وَهَبْ لِي﴾
- ۴- برای اراده و قدرت الهی، هیچ مانعی وجود ندارد. ﴿عَلَى الْكَبَرِ﴾ پیری مانع فرزنددار شدن نیست.
- ۵- هنگام تشکر از خداوند، نعمت‌ها را جداگانه ذکر کنید. ﴿إِسْمَاعِيلَ وَاسْحَاقَ﴾
- ۶- استجاب دعا سنت خداوند است. ﴿إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾

﴿۴۰﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه‌ام نیز. پروردگارا!
دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر.

﴿۴۱﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را، روزی که حساب بر پا می‌شود ببخشای!

نکته‌ها:

□ در آیاتی که تاکنون درباره‌ی حضرت ابراهیم در این سوره خوانده‌ایم، او از خداوند هفت درخواست دارد: امنیت مکه، دور ماندن از بت‌پرستی، توجه قلوب و افکار مؤمنان نسبت به فرزندان و مکتب او، بهره‌مند شدن ذریه‌ی او از ثمرات، توفیق اقامه‌ی نماز، قبول شدن

دعاها و آمرزش برای خود و والدین و همه‌ی مؤمنان.

□ «والد» تنها به پدر واقعی گفته می‌شود، ولی «أب» به غیر پدر از جمله به عمو و پدرزن نیز گفته می‌شود. چون والدین ابراهیم مؤمن بودند، لذا در این آیه حضرت ابراهیم به والدین خود دعا می‌کند، ولی در آیات دیگر که «أب» بکار رفته و مراد عموی ابراهیم است، به دلیل مشرک بودن او، حضرت از او بیزاری می‌جوید.

□ در آیه‌ی ۱۳۳ بقره نیز خواندیم که فرزندان یعقوب در پاسخ پدر که پرسیده بود: ﴿مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي﴾ پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ گفتند: ﴿نَعْبُدُ الْهَكَ وَ الْهَ أَبَائِكَ اِبْرَاهِيمَ وَ اسْمَاعِيلَ﴾ ما پروردگار تو و پروردگار پدرانت ابراهیم و اسماعیل را می‌پرستیم. با آنکه اسماعیل عموی یعقوب است، ولی به عمو «أب» گفته شده است.

پیام‌ها:

- ۱- تکرار «رَبِّ» در آغاز دعاهاى حضرت ابراهیم، نشانه تأثیر آن در استجاب دعا و یا یکی از آداب آن است. ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي﴾
- ۲- برای اقامه‌ی نماز خود و فرزندان، از خداوند استمداد کنید. ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي﴾
- ۳- نماز، محور دعاهاى حضرت ابراهیم است. ﴿رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾، ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ﴾
- ۴- با آنکه رسالت انبیا اقامه‌ی دین است اما دعا برای اقامه‌ی نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام‌نمای دین است. ﴿مَقِيمِ الصَّلَاةِ﴾
- ۵- اقامه‌ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ را بکار برد: یکی درباره‌ی نماز نسل خود ﴿مَقِيمِ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي﴾^(۱) من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

۱. بقره، ۱۲۴.

۶- در دعا هم به خود توجه کنید، «واجبني - واجعلني - واغفرلي» و هم به دیگران. «وبني - ومن ذريتي - ولوالدي وللمؤمنين»

۷- انسان، هم باید به فکر نسل قبل باشد، «ولوالدي وللمؤمنين» و هم به فکر نسل بعد. «ومن ذريتي»

۸- در دعا، به فکر قیامت خود، فرزندان و جامعه باشید. «يوم يقوم الحساب»

﴿ ۴۲ ﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ

تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

خداوند را از آنچه ستمگران انجام می دهند غافل مپندار، همانا او (کیفر و

حساب) آنان را برای روزی به تأخیر می اندازد که چشمها (از حیرت و

وحشت) آن روز خیره می ماند.

نکته ها:

□ سؤال: خداوندی که عادل است و قدرت دارد، چرا جلوستمگران را نمی گیرد؟

پاسخ: خداوند هم عادل است و هم قادر و هم به عملکرد ستمگران عالم، لیکن تأخیر کیفر به

خطر آن است که دنیا ظرفیت پاداش یا کیفر کامل را ندارد و سنت خداوند بر این است که

بندگانش را مهلت دهد تا اگر قابلیت داشته باشند، توبه کنند و اگر قابل نبودند، در قیامت به

حسابشان برسد.

پیام ها:

۱- زود قضاوت نکنید و خداوند را غافل مپندارید. «لاتحسبن»

۲- مهلت دادن به ستمگران، نشانه‌ی غفلت خداوند یا رضایت پروردگار از آنان

نیست. «ولاتحسبن الله غافلا»

۳- سنت خداوند بر مهلت دادن است. «انما يؤخرهم» بنابراین در برابر ظالم، نه

ساکت شوید و نه مأیوس، به وظیفه خود عمل کنید که خدا در کمین آنهاست.

۴- کیفر و پاداش الهی، زمان بندی دارد. ﴿لیوم﴾
 ۵- روز قیامت، چنان ترس آور و وحشت زاست که چشم‌ها خیره می شود.
 ﴿تشخص فیہ الابصار﴾

﴿۴۳﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنَعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنَدَتْهُمْ هَوَاءٌ

(روزی که مجرمان از شدت وحشت) شتاب زده، سرها را بالا گرفته، چشم‌ها و پلک‌هایشان به هم نخورد و دل‌هایشان (از امید و تدبیر) تهی است.

نکته‌ها:

□ برای «مهطعین» که از «اهطاع» است، چند معنا شده است: گردن کشیدن، سرعت گرفتن و نگاه کردن با ذلت و همه‌ی این معانی می‌تواند در این آیه مورد نظر باشد.

﴿۴۴﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا
 أَخْرَجْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّحِبُّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَوْ لَمْ تَكُونُوا
 أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِّنْ زَوَالٍ

و مردم را از روزی که عذاب به سراغشان خواهد آمد بترسان. پس کسانی که ظلم کرده‌اند، خواهند گفت: پروردگارا! ما را تا مدت کوتاهی مهلت ده تا دعوت تو را اجابت نماییم و از پیامبران پیروی کنیم (به آنان گفته می‌شود) آیا شما نبودید که پیش از این سوگند یاد می‌کردید که هرگز برای شما زوال و فنایی نیست؟

نکته‌ها:

□ با توجه به آیه‌ی قبل، ابتدا به نظر می‌رسد که این آیه نیز درباره‌ی قیامت است، ولی جمله‌ی ﴿أَخْرَجْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُحِبُّ دَعْوَتَكَ ...﴾ بیشتر، این معنا را به ذهن می‌آورد که آیه درباره‌ی عذاب الهی در دنیا است، زیرا تأخیر عذاب و اجابت دعوت خداوند و پیروی از پیامبران، مربوط به دنیا است نه قیامت.

□ در قیامت نیز تقاضای بازگشت به دنیا وجود دارد که آیات آن، مکرر در قرآن آمده از جمله:
 الف: ﴿فهل الى خروج من سييل﴾^(۱) آیا برای خارج شدن از هلاکت راهی هست؟
 ب: ﴿فارجعنا لعمل صالحا﴾^(۲) ما را به دنیا برگردان تا عمل صالحی انجام دهیم.
 ج: ﴿ربنا اخرجنا لعمل صالحا﴾^(۳) پروردگارا! ما را از دوزخ خارج کن تا کار خوب انجام دهیم.

پیام‌ها:

- ۱- هشدار و تهدید، از راهها و شیوه‌های تربیت و هدایت گمراهان است. ﴿وانذر﴾
- ۲- هشدارهای قرآن، مربوط به همه‌ی مردم است. ﴿انذر الناس﴾
- ۳- مجرمان روزی پشیمان می‌شوند، اما فرصت‌های از دست رفته باز نمی‌گردد. ﴿اخرنا...﴾
- ۴- هنگام نزول عذاب الهی، راه فرار و توبه بسته می‌شود. ﴿اولم تكونوا...﴾

﴿٤٥﴾ وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ

فَعَلْنَا بِهِمْ وَ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ

و (شما بودید که) در خانه‌های کسانی که (پیش از شما بودند و) به خویشان ستم کردند، ساکن شدید و برای شما روشن شد که با آنان چه کردیم و برای شما مثل‌ها زدیم (پس چرا عبرت نگرفتید)

پیام‌ها:

- ۱- بسیاری از انسان‌ها از سرنوشت پیشینیان عبرت نمی‌گیرند و با آنکه در جای آنان نشسته‌اند، همه چیز را فراموش می‌کنند. ﴿سكنتم في مساكن الذين ظلموا﴾
- ۲- خداوند اتمام حجّت می‌کند. ﴿الذين ظلموا انفسهم، ضربنا لكم الامثال﴾ (هم عذاب امت‌های قبل را بیان می‌کند و هم با مثال‌های متعدّد، مسایل را روشن می‌سازد.)
- ۳- سنّت‌های خدا بر تاریخ و جامعه ثابت و حاکم است. ﴿تبين لكم كيف فعلنا بهم﴾

۳. فاطر، ۳۷.

۲. سجده، ۱۲.

۱. غافر، ۱۱.

﴿۴۶﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِنَزُولِ مِنْهُ الْجِبَالِ

به یقین آنان تمام مکر خود را به کار گرفتند، ولی مکر و حیهی آنها نزد خداست گرچه کوه‌ها از مکرشان از جا کنده شود.

نکته‌ها:

□ خداوند، هم به نیرنگ آنها آگاه است و بر آن احاطه‌ی کامل دارد و هم کیفر آن همه توطئه را خواهد داد و هم می‌تواند مکر آنها را دفع و خنثی کند و یا به خودشان برگرداند.

پیام‌ها:

۱- ستمگران هرچند صاحب قدرت و قوت باشند، اما سرانجام مخدول خداوند خواهند شد. ﴿عندالله مکرهم﴾

﴿۴۷﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفاً وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

مپندارید که خداوند وعده‌ای را که به پیامبرانش داده است تخلف می‌کند، قطعاً خداوند شکست‌ناپذیر و صاحب انتقام است.

نکته‌ها:

□ انتقام گرفتن انسان همراه با کینه و تشقی دل است، ولی انتقام الهی بر اساس عدل و حکمت و تأدیب است.

پیام‌ها:

- ۱- باید در لحظه‌های خطر و لغزش، هشدارهای لازم داده شود. ﴿لاتحسبن﴾
- ۲- تأخیر در امدادهای الهی، سبب تردید شما نشود. ﴿لاتحسبن﴾
- ۳- گرچه انسان عقل و فطرت دارد و مشورت هم می‌کند، اما اگر وحی نباشد در فهم و برداشت گرفتار انحراف می‌شود. ﴿لاتحسبن﴾
- ۴- مهلتی که خداوند به کفار و ستمگران می‌دهد، بر اساس یک سنت و حکمت

است نه از روی غفلت و تخلف از وعده‌ها ﴿فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهُ مَخْلَفَ وَعْدِهِ﴾

۵ - خدایی که قدرت دارد چرا تخلف کند؟ ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾

﴿۴۸﴾ یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

روزی که زمین به غیر این زمین و آسمان‌ها (به آسمان‌های دیگر) تبدیل

شوند و (همه مردم) در پیشگاه خداوند یگانه قهار حاضر شوند.

نکته‌ها:

□ تغییر و تحوّل زمین در روز قیامت، در آیات متعدّد بیان شده است. در آن روز زمین لرزه‌ی شدیدی ایجاد شود، کوه‌ها از زمین کنده شود و به حرکت در آیند و مانند پشم و پنبه نرم شوند.^(۱) روزی که زمین به صورت قطعه‌ای صاف و هموار و مسطح درآید. چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا﴾^(۲) ولی تبدیل آسمان‌ها با خاموش شدن خورشید و درهم پیچیده شدن آسمان‌ها انجام می‌گیرد. به هر حال، این نظام موجود پایانی دارد.

پیام‌ها:

- ۱- تمام خلائق برای رسیدگی به عملکردشان دوباره زنده خواهند شد. ﴿بِرِزْوَانٍ﴾
- ۲- در قیامت جایی برای رحم و عطف بر ستمگران نیست. ﴿الْقَهَّارِ﴾

﴿۴۹﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

و در آن روز مجرمان را می‌بینی که در غل و زنجیر بهم بسته شده‌اند.

﴿۵۰﴾ سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَعْشَىٰ جُوهَهُمُ النَّارُ

جامه‌های آنان از قطران (ماده‌ی چسبنده‌ی بدبوی قابل اشتعال همچون قیر) است و صورت‌هایشان را آتش می‌پوشاند.

۲. طه، ۱۰۵-۱۰۶.

۱. زلزال، ۱.

نکته‌ها:

□ کسی که در حال رنج و عذاب است، اگر فریاد دیگران را نیز بشنود، بیشتر زجر می‌بیند، چنان‌که شادی کردن لذت دارد و بودن در کنار جمعی که شادمانند لذت بیشتری دارد. به همین خاطر، قرآن می‌فرماید: ما افراد همفکر و هم‌خط را در یک جا جمع می‌کنیم، مجرمان را در دوزخ و نیکان را در بهشت. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا ... الْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾^(۱) و درباره‌ی اهل دوزخ می‌خوانیم: ﴿احشروا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ﴾^(۲) ستمگران و همسرانشان که مانند آنان بودند، با هم به دوزخ می‌روند. در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿فَكَبِكَبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ﴾^(۳) در آن روز عابد همراه با معبود خیالی خود با هم به دوزخ افکنده می‌شوند و شاید آیه‌ی ﴿وَإِذَا النَّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾^(۴) نیز همین قرین بودن را بیان کند. (والله العالم)

□ «اصفاد» جمع «صفود» به «کُنده» گفته می‌شود و آن تکه‌ی چوب بزرگی است که به پای زندانیان می‌بندند.

«قطران» ماده‌ای است که از برخی درختان می‌گیرند و پس از جوشاندن و سفت کردن آن به بدن شتر می‌مالند تا در اثر سوزش زیاد، امراض پوستی شتر بهبود یابد. این ماده، بدبو و اشتعال‌زاست.^(۵)

□ یکی از عذاب‌های قیامت، بسته شدن مجرمان با غل و زنجیر است و این معنا در چندین آیه ذکر شده است. از جمله: ﴿وَتَرَى الْمَجْرِمِينَ ... فِي الْأَصْفَادِ﴾ و ﴿خَذُوهُ فَعْلَوهُ﴾^(۶) و ﴿إِذَا الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ﴾^(۷)

□ مجرمان با مجرمان، و یا با شیاطین، با هم به زنجیر کشیده می‌شوند. و یا دست‌هایشان با غل بسته می‌شود و یا دست و پاهایشان و یا دست و پا و گردنشان با هم در قیدوبند قرار می‌گیرد. ﴿مَقْرُونِينَ﴾

۳. شعراء، ۹۴.

۲. صافات، ۲۳.

۱. طور، ۲۱.

۶. حاقه، ۳۰.

۵. تفسیر نمونه.

۴. تکویر، ۷.

۷. غافر، ۷۱.

پیام‌ها:

- ۱- قرآن، قیامت را طوری ترسیم می‌کند که گویی الآن ما آن را می‌بینیم. ﴿تری﴾
- ۲- تحقیر و عذاب مجرمان، در ملأ عام است. ﴿وتری المجرمین﴾
- ۳- اگر با دید تجسّم اعمال بنگریم، شاید به این نتیجه برسیم که لباس‌هایی که پوشیدن آن‌ها با دلربایی و تفاخر و اسراف و شهوت‌انگیزی همراه باشد، به لباس‌های سیاه و بدبو و آتش‌زای قیامت تبدیل می‌شود. ﴿سرابیلهم من قطران﴾

﴿ ۵۱ ﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

(مجرمان کیفر می‌شوند) تا خداوند به هر کس سزای آنچه کسب کرده بدهد، چرا که خداوند حساب‌رسی سریع است.

پیام‌ها:

- ۱- هیچ یک از مردم بی‌جزا نمی‌مانند. ﴿کلّ نفس﴾
- ۲- هیچ کاری بی‌پاسخ نیست. ﴿ما کسبت﴾
- ۳- کیفر و پاداش الهی، بر اساس عمل خود ماست. ﴿ما کسبت﴾

﴿ ۵۲ ﴾ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ وَ

لِيَذَّكَّرُوا أَولُوا الْأَلْبَابِ

این (قرآن) پیام‌رسان و ابلاغی برای مردم است تا به وسیله‌ی آن، هشدار یابند و بدانند که همانا او معبودی یکتاست و تا خردمندان پند گیرند.

نکته‌ها:

- آخرین آیه‌ی سوره‌ی ابراهیم و اولین آیه‌ی آن، درباره‌ی نقش قرآن و رسالت آن در هدایت مردم است؛ در آیه‌ی اول خواندیم: ﴿کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور﴾ و در این آیه می‌خوانیم: ﴿هذا بلاغ للناس...﴾
- از طرفی همان‌گونه که قرآن بلاغ است، پیام‌رسان آن نیز بلاغ است، چنانکه در آیه ۵۴

سوره‌ی نور آمده است، ﴿ما علی الرسول الاّ البلاغ﴾

پیام‌ها:

- ۱- قرآن، مایه‌ی تبلیغ است و مبلّغان باید مایه‌ی تبلیغی خود را از قرآن بگیرند.
﴿هذا بلاغ﴾
- ۲- قرآن، کتاب توحید است و از قرآن باید موّحد ساخته شود. ﴿هذا بلاغ... ليعلموا
انّما هو اله واحد﴾
- ۳- ابلاغ به تنهایی کافی نیست، انذار نیز لازم است. (آری، هدف تبلیغ، انذار است). ﴿ولینذروا﴾
- ۴- دانستن کافی نیست، توجّه و تذکّر نیز لازم است. ﴿ليعلموا- لیزکّر﴾
- ۵- اُنس با قرآن، هم معرفت و شناخت به انسان می‌دهد، ﴿ليعلموا﴾ و هم با تذکّر و پند، آدمی را به اعمال خیر تشویق می‌کند. ﴿لیذکّر﴾
- ۶- قرآن، برای عموم مردم ابلاغ است، امّا تنها صاحبان عقل متذکّر می‌شوند و از آن پند می‌گیرند. ﴿ولیزکّر اولوا الالباب﴾
آری، اگر به رهنمودهای قرآن با جان و دل توجّه کنیم، انسان موّحد و متذکّری می‌شویم. انشاء الله

«الحمد لله رب العالمین»